

هشت مرحله‌ی تدبیر

مترجم:

دکتر جمال‌الدین علی‌خواجه

مؤلف:

دکتر عصام صالح محمد العوید

www.Keelab.ir

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۹	مقدمه
۲۱	مقدمه مؤلف
۲۹	پیشگفتار
۳۷	مرحله اول
۴۷	تفسیر رسول خدا ﷺ یا صحابه <small>رضی الله عنهم</small> یا تابعین به سه نوع است
۴۷	نوع اول: تفسیر مربوط به فضایل آیات یا روایات
۴۹	نوع دوم: تفسیر مربوط به اسباب نزول
۵۱	نوع سوم: تفسیر مسند
۶۱	امر دوم: نظر در فهم درایت
۶۲	مسأله اول: اهمیت احاطه به اقوال سلف در تفسیر آیه
۶۵	مثال اول
۶۷	مثال دوم
۶۸	مثال سوم
۶۸	مسأله سوم: تطبیق تفسیر سلف با لغت‌نامه‌های صحیح مانند تهذیب ازهری و صحاح جوهری

- مرحلهٔ دوم..... ۷۱
- کلمات قرآن- از جهت وضوح و عدم وضوح- در سه مرتبه قرار می‌گیرند..... ۷۳
- چگونگی دستیابی به دلالت کلمه ۷۴
- مثال اول..... ۷۵
- مثال دوم..... ۷۶
- مثال سوم..... ۷۶
- مثال چهارم..... ۷۷
- مثال پنجم..... ۷۹
- مرحلهٔ سوم..... ۸۱
- دلالت حروف معانی به سه درجه دستهبندی می‌شود..... ۸۳
- چگونگی دستیابی به دلالت حروف معانی آیه ۸۸
- مثال اول..... ۸۹
- مثال دوم..... ۸۹
- مثال سوم..... ۹۰
- مثال چهارم..... ۹۱
- مثال پنجم..... ۹۲
- مثال ششم..... ۹۴
- مثال هفتم..... ۹۵
- مثال هشتم..... ۹۵
- مثال نهم..... ۹۵
- مثال دهم..... ۹۶
- تضمین و رابطهٔ آن با حروف معانی ۹۶

- ۹۹..... مثال اول
- ۱۰۰..... مثال دوم
- ۱۰۱..... مثال سوم
- ۱۰۱..... مثال چهارم
- ۱۰۲..... مثال پنجم
- ۱۰۵..... مرحله چهارم
- ۱۰۶..... مبحث اول: دلالت، جمله اسمیه و جمله فعلیه
- ۱۱۱..... مبحث دوم: دلالت تقدیم و تاخیر در جمله
- ۱۱۷..... مرحله پنجم
- ۱۱۸..... مثال‌هایی از این باب
- ۱۱۸..... مثال اول
- ۱۲۰..... مثال دوم
- ۱۲۱..... مثال سوم
- ۱۲۳..... مثال چهارم
- ۱۲۴..... مثال پنجم
- ۱۲۴..... مثال ششم
- ۱۲۵..... مثال هفتم
- ۱۲۶..... مثال هشتم
- ۱۲۷..... مثال نهم
- ۱۲۷..... مثال دهم
- ۱۲۸..... مثال یازدهم

- مرحله ششم..... ۱۳۱
- نمونه‌هایی از مقاصد سوره‌ها و اهتمام سلف به این باب..... ۱۳۴
- چگونگی دستیابی به مقصود عام سوره..... ۱۳۳
- مرحله هفتم..... ۱۴۵
- نمونه‌هایی از این باب..... ۱۴۶
- مثال اول..... ۱۴۶
- مثال دوم..... ۱۶۳
- مثال سوم..... ۱۶۵
- مثال چهارم..... ۱۶۶
- مثال پنجم..... ۱۶۹
- مراحل هدایت پیامبر ﷺ در برابر کفار و منافقان از بعثت تا وفات..... ۱۷۴
- مرحله هشتم..... ۱۷۷
- نمونه‌هایی از این باب..... ۱۷۸
- مطالعه روش عملی ائمه رحیم الله تعالی در افزایش ایمان،
تهذیب، تربیت و... دارد..... ۱۸۱
- ۱- سوره فاتحه..... ۱۸۱
- ۲- سوره بقره..... ۱۸۲
- ۳- سوره یوسف..... ۱۸۲
- ۴- سوره مومنون..... ۱۸۳
- ۵- سوره حج..... ۱۸۴
- ۶- سوره عنکبوت..... ۱۸۴
- ۷- سوره یس..... ۱۸۵

- ۱۸۵..... ۸- سورة زمر
- ۱۸۵..... ۹- سورة جاثیه
- ۱۸۶..... ۱۰- سورة طور
- ۱۸۷..... ۱۱- سورة قمر
- ۱۸۸..... ۱۲- سورة حدید
- ۱۸۹..... ۱۳- سورة مزمل
- ۱۸۹..... ۱۴- سورة انعام
- ۱۹۰..... ۱۵- سورة تکوین

مقدمه مترجم

«تدبیر» در زبان «تفعل» از ماده «دبر» به معنای پشت سر و عاقبت چیزی است. به عبارتی، تدبیر از نظر لغوی یعنی نظر در پیامدها و عواقب و تأمل در نتایج امور.^۱ زمخشری بر آن است که هر چند تدبیر به معنای اندیشیدن و نظر در عواقب امور است ولی در بعضی موارد در هر تأملی استعمال شده است و از این رو، تدبیر در قرآن به معنای تأمل، تبصّر و تدبّر در معانی آن است.^۲

ابوهلال عسکری میان تدبیر و تدبّر، اینگونه تفاوت قائل شده است: تدبیر، «تصرف در قلب با نظر کردن در عواقب امور» است، اما تفکر، «تصرف در قلب با نظر کردن در دلائل امور».^۳

تدبیر در آیات قرآن به معنای تأمل در حجت‌های الهی موجود در قرآن کریم و نیز دقت در شرایع الهی و به دنبال آن‌ها نپندپذیری و عمل کردن به آن‌ها است.^۴ تدبیر در قرآن کلید دانش‌هاست که تمام خیرها با آن استوار و تمام علوم

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ۴/۲۷۳؛ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ۱۷۱.

۲. زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التأویل، ۱/۵۴۰.

۳. ابوهلال عسکری، حسین بن عبدالله، معجم الفروق اللغویه، ۱۲۱.

۴. طبری، ابن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (جامع البیان عن تأویل القرآن)، ۲۳/۱۸۲.

با آن استخراج می‌شود؛ با آن، ایمان تقویت و درختش تنومندتر می‌شود؛ زیرا پروردگار را با تمام صفات کمال و پاکی‌اش معرفی کرده و راه رسیدن به او، صفات رهپویان حق، و آنچه بر آنان در پیمودن این راه لازم است را به انسان می‌نماید. همچنین تفکر و تدبیر (در قرآن) دشمن حقیقی انسان و راه‌هایی که وی را به عذاب الهی سوق می‌دهند، اوصاف اهل عذاب و آنچه بر آنان در هنگام وجود اسباب عذاب لازم است را به او نشان می‌دهد و هر چه بنده بیشتر در آن تأمل کند، علم و عمارت و بصیرتش بیشتر خواهد شد.^۱

یکی از راه‌های مهارت یافتن و تدبیرکردن در قرآن، استمرار و پیوستگی در قرائت قرآن است:

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَوْمَ أَذَانَكَ تُقَوْمُ أَدْنَىٰ مِنْ تُلِيِّ اللَّيْلِ وَنُصْفَهُ وَتُلُّهُ وَطَافِيئَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَكَةَ ۗ أَلَا هُوَ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّنْ نَّحْضُوهُ فِتَابَ عَلَيْنِكَ مَا نَقِصَرُ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُمْ مَّرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ نَّحْدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ حَرِيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (مزم: ۲۰)

«پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با تو هستند، در یک روز دو سوم شب، یا نصف، و یا یک سوم آن را (نمی‌خوانید و به عبادت می‌پردازید و) به نماز می‌ایستید. خدا است که اوقات شب و روز را

۱. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ۱۸۹-۱۹۰.

می‌داند و دقیقاً تعیین می‌کند. او می‌داند که شما نمی‌توانید (ساعات شب و روز را دقیقاً تعیین کنید و حساب آن را داشته باشید، لذا برای شما تخفیف قائل شد و) بر شما بخشید. پس آن مقدار از قرآن را (در نماز) بخوانید که برایتان میسر است. خدا می‌داند که کسانی از شما بیمار می‌شوند، و گروهی دیگر برای جستجوی روزی و به دست آوردن نعمت خدا در زمین مسافرت می‌کنند، و دسته‌ی دیگر در راه خدا می‌جنگند. لذا آن مقدار که برایتان ممکن است و توانائی دارید (در نماز شبانه) آن را بخوانید. نماز بگزارید، و زکات مال به در کنید، و قرض الحسنه به خدا دهید. هر خوبی و خیری را که برای خود پیشاپیش می‌فرستید آن را نزد خداوند بهتر و با پاداش بیشتری خواهید یافت. از خدا آمرزش بخواهید، زیرا که خدا آمرزگار و مهربان است.»

اما جای بسی تأسف است که نه تنها از تدبیر در قرآن دور هستیم بلکه بسیار اندکند کسانی که قرائت قرآن در برنامه روزانه‌شان قرار دارد:

﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾

(فرقان: ۳۰)

«و پیغمبر (شکوه‌کنان از کیفیت برخورد مردمان جاهل) عرض می‌کند،

پروردگارا! قوم من این قرآن را (که وسیله‌ی سعادت دو جهان است) رها و

از آن دوری کرده‌اند (و از ترتیل و تدبیر و عمل بدان غافل شده‌اند).

آیات، روایات نبوی، صحابه و علمای امت بر امر تدبیر در قرآن تأکید و ترغیب کرده‌اند. مشتقات تدبیر چهار بار در قرآن کریم به کار رفته است: سه بار در ساخت فعلی و به صورت استفهام انکاری [﴿أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ﴾ دو بار و ﴿أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا﴾ یک بار] و یک بار به صورت فعل امر ﴿يَذَّبَّرُوا﴾:

۱- ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء: ۸۲)

«آیا (این منافقان) درباره‌ی قرآن نمی‌اندیشند (و معانی و مفاهیم آن را بررسی و واریسی نمی‌کنند تا به وجوب طاعت خدا و پیروی امر تو پی ببرند و بدانند که این کتاب به سبب ائتلاف معانی و احکامی که در بر دارد و این که بخشی از آن مؤید بخش دیگری است، از سوی خدا نازل شده است؟) و اگر از سوی غیر خدا آمده بود در آن تناقضات و اختلافات قرار نمی‌پیدایی کردند.»

۲- ﴿أَفَلَمْ يَدَّبُّوا الْقَوْلَ، أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ﴾

(مؤمنون: ۶۸)

«آیا آنان سخنان را ندیدند؟ (و درباره‌ی این آیات الهی نمی‌اندیشند، تا اعجاز قرآن را با چشم سهواً ندیده و دل مشاهده کنند)، یا این که مطالبی برای آنان آمده است که برای نیاکانشان نیامده (و نزول آیات آسمانی، چیز نوظهوری است؟ چنین نیست. رسال پیغمبران و انزال کتاب‌های آسمانی برای ایشان شیوه‌ی بهترین خدا بوده و محتوای دعوت تو از نظر اصول و اساس، همان محتوای دعوت پیغمبران است.)»

۳- ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (ص: ۲۹)

«ای محمد! این قرآن) کتاب پرخیر و برکتی است و آن را برای تو فرو فرستاده‌ایم تا درباره‌ی آیه‌هایش بیندیشند، و خردمندان پند گیرند.»

پس، خیر فراوان و دانش بسیار، هدایت از هر گمراهی، شفای تمام دردها، نوری که از روشنی‌اش می‌توان در هر تاریکی بهره برد و هر حکمی که مورد نیاز مکلفان باشد در قرآن وجود دارد. این همه، از برکت و حکمت نزول قرآن است تا مردم در آیاتش تدبیر کنند. در این آیه نیز ترغیب به تدبیر وجود دارد، همچنین اشاره دارد به این‌که تدبیر یکی از بهترین اعمال است، یکی از فضایل تدبیر این است که صبر و پایداری بر آن، انسان را به درجه‌ی یقین می‌رساند.^۱

۴ ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (محمد: ۲۴)

«آیا در آیه‌ی قرآن نمی‌اندیشند (و مطالب و نکات آن را بررسی و واریسی

بدی کنند؟) یا این‌که بر دل‌هایی قفل‌های ویژه‌ای زده‌اند؟»

یعنی این‌که چه کسانی که از قرآن رویگردان هستند، در آن به حق تفکر و تأمل نمی‌کنند؛ زیرا اگر آن‌ها در این کتاب می‌اندیشیدند، بدون شک، آنان را به سوی تمام خوبی‌ها رهنمون می‌گشت. در هر بدی باز می‌داشت، دل‌هایشان را مالا مال از ایمان و جان‌هایشان را از آبریز از یقین می‌کرد، آنان را به خواسته‌های والا و نعمت‌های بسیار ارزشمند، می‌رساند. .. ﴿أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ یعنی اما واقعیت این است که درهای قلب‌شان با نماد شکی در آن است، بسته و قفل شده، آن‌گونه که دیگر خیر و نیکی هرگز نمی‌تواند به دل‌هایشان راه یابد.^۲

روایات فراوانی بر اهمیت تدبیر در قرآن کریم دلالت دارند؛ از جمله:

۱- در صحیح مسلم روایت شده که حذیفه رضی الله عنه گفت:

(صَلَّيْتُ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَافْتَتَحَ الْبَقْرَةَ، فَقُلْتُ: يَرْكُعُ عِنْدَ الْمِائَةِ، ثُمَّ مَضَىٰ يُصَلِّي، فَقُلْتُ: يُصَلِّي بِهَا فِي رَكْعَةٍ، فَمَضَىٰ، فَقُلْتُ:

۱. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ۱۹۰ و ۷۱۲.

۲. همان، ۷۸۸.